

مانیفست اصلاحات در آموزش و پرورش

روایتي نو از چالشها و راهکارها

رحيم عبادي

«آگوست کنت» پدر علم جامعه‌شناسي مي‌گويد: پيشرفت و ترقي بشر به آموزش و پرورش صحيح بستگي تمام و کمال دارد زيرا تعليم و تربيتي صحيح است که حس تفاهم را بين افراد پرورش مي‌دهد. جهان امروز دريافته است که آموزش و پرورش افراد نوعي سرمايه‌گذاري ملي است و هر کشوري که در اين راه تلاش بيشتري نمايد، بدون شک از رشد و توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي بيشتري و توسعه همه‌جانبه و پايدار تري در آينده برخوردار خواهد شد.

آموزش و پرورش مهم‌ترين فصل مشترک حاکميت و ملت و مهم‌ترين مساله ملت است، اما ممکن است در جامعه‌اي همچون ايران مساله اصلي حاکميت نباشد.

طي هفته‌هاي گذشته با اهتمام و راهبري سيد محمدخاتمي و با هم‌اندوشي بيش از 50 نفر از کارشناسان، متخصصان، صاحب‌نظران و مديران دوره‌هاي مختلف آموزش و پرورش، روايتي متفاوت از آموزش و پرورش تحت عنوان «مسائل آموزش و پرورش ايران» تدوين و منتشر شد و در اين سند تحليلي ضمن تبين جايگاه و پيشينه آموزش و پرورش در ايران، به بحران‌ها و چالش‌هاي پيش روي آن نيز در ايران پرداخته و بر اساس اصول بنيادين تعليم و تربيت در جهان و حکمراني خوب، راهکارها و راه‌هاي برون‌رفتي در اين مستند پيشنهاده شده است. اينجانب به عنوان يکي از دست‌اندرکاران اين گزارش ملي لازم دانستم اهم نکات آن را به روايت خود بيان نمايم تا زمينه هم‌اندوشي و نقد و ارزيابي بيشتري روي يکي از پرچالش‌ترين مسائل اجتماعي ايران يعني آموزش و پرورش فراهم شود.

1- اين گزارش با مقدمه‌اي از سيد محمد خاتمي آغاز شده. وي معتقد است جامعه ما در همه بخشها با مشكلهائي روبرو است که اگر درست درک و براي حل آن چاره‌اندوشي نشود، مي‌تواند بحران‌آفرين باشد و گراف نيست اگر بگويم جامعه بحراني است و نشانه بارز آن در

نارضایتی فراگیر از آنچه هست می‌توان دید. وی یادآور می‌شود که همه بخش‌های جامعه در رابطه باهم و دارای تاثیر و تاثر متقابل با یکدیگرند و برای حل مشکلات نیازمند رویکردی جامع و نیز نظم و نظامی مناسب است. وی آنگاه ضمن تاکید بر جایگاه ویژه و نقش آموزش و پرورش در آینده کشور، اصرار بر سیاست‌ها و شیوه‌های حکمرانی که تجربه ناکام را پشت سر گذاشته و مشروعیت نظام آموزش و پرورش را مخدوش کرده و امکان یافتن راه‌حل بحران و رفع مشکلات را به شدت ضعیف کرده و درد و مشکلات جامعه از جمله در آموزش و پرورش را افزون کرده است ناپسند و تغییر و اصلاح شیوه حکمرانی جامعه را توصیه می‌کند تا با تعامل سازنده با یکدیگر از ظرفیت‌های موجود و ممکن برای بهبود شرایط در جامعه و به ویژه آموزش و پرورش بهره‌گیری شود زیرا جامعه ما همچنان نیازمند گفت‌وگوی ملی است و گفت‌وگو و چاره‌اندیشی کارشناسان که از عرف نمایندگی می‌کنند، می‌تواند راه‌گشا باشد.

2- نقطه عزیمت هر گفت‌وگویی درباره آموزش و پرورش، پرداختن به نگرش‌های بنیادینی است که نسبت به کودک و نوجوان و تعلیم و تربیت او داریم. بخش اول این گزارش به بنیادهای نظری یا گزاره‌های بنیادین آموزش و پرورش در جهان امروز اشاره دارد و اصول بنیادینی که مبنای نظری مسائل آموزش و پرورش و از جمله روایت مذکور را توصیف می‌نماید به شرح زیر آمده است: الف: پاسداشت کرامت انسانی، ب: حقوق بنیادین کودک، ج: آموزش و پرورش به مثابه رکن توسعه پایدار، د: بالندگی شهروند آزاد دارای حق و مسؤولیت، هـ: همبستگی ملی و تنوع فرهنگی، و: نگاه معطوف به آینده ج: یادگیری مادام‌العمر ط: یادگیری برای زیستن.

این اصول بنیادین می‌تواند راهنمای هرگونه برنامه تحولی و اصلاحات در برنامه‌های آموزش و پرورش قرارگیرد.

3- بخش دوم گزارش به گزاره‌های بحران در آموزش و پرورش کنونی ایران اشاره دارد. مجموع تحقیقات و مطالعات نشان داده است که آموزش و پرورش در شرایط موجود از سه بحران پیش رو رنج می‌برد: الف: بحران کیفیت در یادگیری، ب: بحران عدالت آموزشی، ج: بحران مشروعیت آموزش و پرورش در میان مردم و نخبگان.

براساس مستندات و تحقیقات به ویژه با تاکید بر تحقیقات رسمی از جمله گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، آزمون‌های بین‌المللی تیمز و پرلز، منابع آماری و اطلاعاتی وزارت آموزش و پرورش، تلاش شده است ابعاد این سه بحران در آموزش و پرورش ایران به تفصیلی در این گزارش تبیین گردد تا همگان از تصویری واقعی از آنچه در آموزش و پرورش ایران می‌گذرد اطلاع یابند. متأسفانه اظهارات مقامات رسمی وزارت

آموزش و پرورش مدت‌هاست با آنچه در درون آموزش و پرورش می‌گذرد فاصله معناداری دارد و این امر نگرانی‌ها را مضاعف ساخته است.

4- علل ناکامی‌های آموزش و پرورش در انجام رسالت و مسوولیت خود بخش سوم گزارش مذکور است. مطالعات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که نظام آموزش و پرورش در ایران از چند ناکامی بزرگ در انجام ماموریت خود رنج می‌برد از جمله: الف: فقدان ماموریت روشن و مورد توافق. ب: گسیختگی اجزا و فقدان نگاه یکپارچه و فرآیندی. ج: سیاست‌زدگی. د: ساختار متمرکز و از بالا به پایین. ه: رویکرد دینی ظاهرگرایانه و تحمیلی. و: آشفتگی تصمیم‌سازی در نهادهای فراآموزش و پرورش همچون شورای انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی.

5- ظرفیت‌های نهفته در تاریخ و فرهنگ ما ایرانیان در طول تاریخ، بخش دیگر این گزارش تحلیلی است که می‌تواند جامعه و دست اندرکاران را برای حل علل ناکامی کمک نماید.

گذر از توفان بحران‌هایی که در بخش قبل سخن از آن رفت، نیازمند آن است که فرصت‌ها و قابلیت‌های خودمان را بشناسیم. نمی‌توان همه‌چیز را به مطالبه از حکومت فروکاست. اگر به تجربه بیش از ۱۳۰ سال آموزش و پرورش رسمی در ایران و دستاوردهایش مراجعه کنیم، درمی‌یابیم که ساختار رسمی آموزش و پرورش به عنوان مسوول اصلی تغییر این وضعیت، خود به بخشی از مشکل تبدیل شده است.

تاریخ آموزش و پرورش در ایران و جهان و تجربه‌های موفق نیز نشان می‌دهد که مشارکت فعال مدنی می‌تواند همچون عامل اصلی تغییر رفتار دولت عمل کند. بنابراین ما همزمان که دسترسی برابر به آموزش و پرورش با کیفیت و یادگیری خلاقانه را از دولت به عنوان مسوول اصلی مطالبه می‌کنیم، بر این باوریم که جامعه ایران نیز ظرفیت‌هایی فراوان برای اصلاح نظام آموزش و پرورش دارد. برخی از این ظرفیت‌ها عبارتند از:

الف: پیشینه تاریخی و فرهنگی امر تعلیم و تربیت در ایران. سنت دیرپای دینی و ملی ما مشتمل بر نگرش عمیقاً مثبت به کشف و کسب علم و اندوختن دانش است. این پیشینه سترگ همچنان تغذیه‌کننده فرهنگ تعلیم و تربیت ماست. در تاریخ کشورمان ساختارهای دیرپای آموزشی و تربیتی وجود دارد که امتداد آن از اعصار گذشته تا دوران مدرن کشیده شده است.

ب: دانش‌آموزان. ج: خانواده‌ها. د: معلمان. ه: مدرسه. ح: کنشگران مدنی. ط: محتوای آموزشی تولید شده یا وجود ظرفیت‌های فراوان در جامعه از دیگر ظرفیت‌های نهفته در تاریخ و فرهنگ ما ایرانیان است که می‌توان به صورت موثر از آنها برخوردار بود.

6- بخش پنجم گزارش به راهکارها و گام نهادن در فرآیند حل مساله

پرداخته است که قسمت اول آن به نقش و مسوولیت نظام حکمرانی اختصاص یافت و قسمت دوم به نقش و مسوولیت جامعه مدنی و مردم و خانواده‌ها اهتمام شده است زیرا همچنان‌که نقش حاکمیت در حل مسائل آموزش و پرورش بسیار تعیین‌کننده و راهکار اصلی است اما نباید همه مسوولیت‌ها را متوجه دولت‌ها و حاکمیت متمرکز و از ظرفیت و توانمندی و ایفای مسوولیت جامعه مدنی غفلت نمود. اما حاکمیت چگونه می‌تواند بر حل این بحران‌ها اهتمام ورزد و بحران‌ها را به مشکل و مساله و آنگاه در جهت حل آن قدم بردارد؛ موضوعی است که در گزارش به چند راهکار مهم آن بسنده شده است از جمله: الف: نخستین مطالبه از نظام حکمرانی گشودگی درهای بسته و دعوت از همه کارشناسان، نخبگان فارغ از دیدگاه‌های سیاسی‌شان برای فهم و حل مشکلات آموزش و پرورش است. ب: کاستن از تصدی‌گری در امر آموزش و پرورش از دیگر راهکارهاست. کار دولت مدرسه‌داری نیست. رسالت مهم دولت بیش و پیش از مدرسه‌داری، تضمین دسترسی برابر و کیفی همه شهروندان به آموزش عمومی و حصول شایستگی‌های قصدشده است. غفلت از این مأموریت و گسترش روزافزون تصدی‌ها در مدرسه‌داری يك خطاي بزرگ است. نقش برجسته دولت در این خصوص بهره‌گیری از ظرفیت تنظیم‌گری، قاعده‌گذاری، نظارت و ارزیابی از وضعیت است. ج: ثبات وضعیت اقتصادی آموزش و پرورش. د: تعهد به آموزش عمومی رایگان. ه: اولویت آموزش ابتدایی و پیش‌دبستانی. و: سبک‌کردن بار مدرسه. ص: استفاده از تجربه‌های جهانی. ض: بهره‌گیری از فناوری‌های نوین. ح: پذیرش تنوع و خلاقیت در محتوای آموزشی. ط: مساله دانشگاه‌های تربیت معلم. ی: توجه به مطالبات معلمان. ظ: میدان‌دادن به طرح‌های تحول‌خواهانه. و: ساختن چهره‌ای محبوب‌تر و روادارتر از آموزش و پرورش از جمله راهکارهای اندیشیده شده دیگری برای حل مسائل و چالش‌های پیش روی آموزش و پرورش است.

البته که منظور در اینجا، تدارك لیستی از بایدها و نبایدهای دستوری نیست. ما به دنبال رویکردهایی هستیم که به نظام حکمرانی و جامعه مدنی کمک کند تا در تعامل با یکدیگر از ظرفیت‌های موجود و ممکن برای بهبود شرایط بهره بگیرند و بتوانند از ناکامی مژمن آموزش و پرورش رمزگشایی کنند.

ما در آموزش و پرورش با شبکه‌ای بسیار پیچیده و درهم‌تنیده از معضلات روبه‌رو هستیم که باعث شکل‌گیری يك مساله نهادینه در ابعاد مختلف شده است. خصوصا که در نظام تعلیم و تربیت، بسیاری از فرآیندها و روش‌های اثرگذار از جنس نرم هستند و معمولا دیده نمی‌شوند. همچنین، در حوزه آموزش و پرورش ما با نوعی ناهم‌بانی روبه‌رو هستیم یعنی در میان ذینفعان آموزش و پرورش، دغدغه‌های ناهمگون وجود دارد و در

مقام حل مساله، همتراز باهم نیستند. همه اینها باعث شده که تغییرات و تحولات در نظام آموزشی ما تقریباً در هیچ دوره‌ای به نتیجه نرسد.

در قسمت دوم به نقش و مسوولیت جامعه مدنی برای گام نهادن در فرآیند حل مساله تمرکز شده است:

نهاد آموزش و پرورش به واسطه ماموریت و ساختاری که دارد، رابطه وثیقی با جامعه مدنی دارد و تلاش‌های مدنی نقش بی‌بدیلی در بسط و تعمیق تحولات در نظام تعلیم و تربیت دارد. به همین جهت، برای نجات و اصلاح آموزش و پرورش ایران نباید منتظر درخواست یا اجازه دستگاه رسمی آموزش و پرورش ماند.

جامعه مدنی شامل سازمان‌ها و نهادهای رسمی غیردولتی و گروه‌ها و جمع‌های موقت معطوف به حل مساله و کارشناسان و والدین و دانش‌آموزان می‌توانند نقشی مهمی در تحول آموزش و پرورش به سمت دسترسی فراگیرتر به یادگیری باکیفیت و خلاقانه برای همه کودکان و نوجوانان ایران ایفا کنند و این هم از طرق زیر قابل بررسی و اقدام است از جمله:

در گام اول بازآفرینی نقش مدرسه، معلمان و خانواده‌ها برای ایفای مسوولیت مستقل و مکمل و در عین حال اثربخش و فعال است. در حال حاضر مدرسه‌ها فقط مجریان سیاست‌ها و برنامه‌های ابلاغی از بالا هستند غافل از اینکه مدرسه‌ها می‌توانند با تقویت اختیارات نقش محوری ایفا نمایند و همین رویکرد به نهاد خانواده و نهاد معلم هم قابل تعمیم است و باید نقش این بازیگران اصلی را از حالت انفعالی به حالت فعال تبدیل نمود و بر نقش مستقل آنها تاکید و سازوکارهای لازم برای ایفای نقش فعال آنها فراهم نمود. در يك جامعه مدنی بالنده، اساس الگوی ارتباطی سه رکن خانواده، معلمان و دانش‌آموزان، نه کنترل‌گری و سلطه‌جویی، بلکه گفت‌وگو، اعتماد و احترام به حقوق و کرامت انسانی است. اگر این مثلث ارتباطی باکیفیت در مدرسه شکل بگیرد، آنگاه است که مکانیزم تصمیم‌گیری در مدرسه (شوراهای دانش‌آموزی، انجمن اولیا و مربیان و گروه‌های صنفی و شورای مدرسه) متحول می‌شود و در طرح‌ریزی‌های آموزشی، خواه‌ناخواه به نیازهای دانش‌آموزان توجه ویژه می‌شود. فراهم ساختن فرصت‌های یادگیری برابر و کیفی برای همه آحاد جامعه و ساختن جامعه‌ای یادگیرنده از مهم‌ترین حقوق مردم و بی‌مناقشه‌ترین تکالیف دولت‌ها است. تلاش برای مکلف‌ساختن حاکمیت برای احقاق این حق و نیز نظارت بر تحقق و مشارکت در استیفای آن، بر دوش جامعه مدنی است. به‌علاوه افراد و گروه‌ها و سازمان‌های نیکوکاری که تاکنون مدارس زیادی به همت و سرمایه آنان ساخته شده است، هم می‌توانند بخشی از توجه و سرمایه

خود را در پژوهش، تولید و تهیه محتواها و نرم افزارهای آموزشی و یادگیری، ساخت و تجهیز کتابخانه‌های مدارس مناطق محروم و آماده‌سازی معلمان برای یادگیری شیوه‌های نوین و آموزشهای آزاد کودکان و نوجوانان مناطق محروم در رشته‌های گوناگون و دانشهای جدید صرف کنند.

برای جبران کاستی‌های نظام آموزش و پرورش ضروری است که نویسندگان و پژوهشگران و کارشناسان، فعالانه در تالیف و تولید محتواهای جذاب و با کیفیت در بسترهای مختلف به عنوان محتواهای جایگزین یا مکمل کتابهای درسی نقش ایفا کنند و این موارد بخشی از ظرفیت جامعه مدنی است که میتواند برای حل مسائل و چالشهای اساسی آموزش و پرورش به کمک گرفته شود.

7- سخن آخر فراخوان ملی برای گفت‌وگو و کنش مشترک همه دست‌اندرکاران برای چاره‌اندیشی مسائل اساسی آموزش و پرورش در ایران است. این روایت جمعی از خیرخواهان و دغدغه‌مندان مسائل آموزش و پرورش در ایران است اما این رویکردها و راهکارها تجویزی نیست زیرا بر این باوریم که آموزش و پرورش متصل را نمیتوان با یک روش متصل دیگر متحول ساخت؛ یعنی نمیتوان سازوکاری طراحی کرد که سیستم تعلیم و تربیت را در یک مسیر قطعی تا رسیدن به اهداف مورد نظر پیش براند برای همین امر گفت‌وگو و هماندیشی را توصیه مینماییم. چنین گفت‌وگویی به دو صورت میتواند محقق شود:

اول؛ گفت‌وگو برای تحقق اهداف و ارزشهای مشترک. دوم؛ گفت‌وگو برای نزدیک ساختن دیدگاه‌ها و منافع متفاوت یا متعارض. در این شرایط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشورمان که مسائلی فراتر از آموزش و پرورش، ذهن و روان جامعه را درگیر کرده است و در این شرایط جهانی که جامعه بشری هم‌زمان بحران‌های فراگیر انسانی را تجربه میکند و در زمانه‌ای که سرعت تحولات فناوری به حدی است که ساختارهای کنونی آموزش و پرورش کارآمدیشان را از دست داده‌اند، با توجه به نیازهای آینده ایران و با توجه به ظرفیتهای تاریخی، فرهنگی و سرمایه انسانی کشورمان، هر یک از ما، اعم از دانش‌آموزان، والدین، آموزگاران، جامعه مدنی و حاکمیت برای تحول در آموزش و پرورش چه کارهایی باید بکنیم؟ چه کارهایی میتوانیم بکنیم؟ و نخستین قدم‌هایی که میتوانیم روی آن توافق کنیم، کدام است؟ این مورد و سایر موضوعات میتوانند زمینه گفت‌وگو و هماندیشی و مشارکت ملی را برای چاره‌اندیشی مسائل اساسی آموزش و پرورش در ایران فراهم آورند. امید است این مستند تحلیلی و این روایت متفاوت از مسائل آموزش و پرورش ایران به عنوان مانیفست اصلاحات در آموزش و پرورش تلقی گردد و همه خیرخواهانی که دلسوزانه برای بهبود و اصلاح و اعتلای آموزش

و پرورش می‌اندیشند با مشارکت در این فراخوان ملی و نقد و نظر
بحران‌های پیش روی آموزش و پرورش، راهکارهای نوینی برای حل این
چالش‌ها و راهکارها ارائه نمایند و دعوت جناب آقای سید محمد خاتمی
که خود دانش‌آموخته رشته علوم تربیتی و از معلمان و مربیان تعلیم
و تربیت و دغدغه‌مندان نظام آموزش و پرورش در ایران عزیز است را
برای این هم‌اندیشی مسائل آموزش و پرورش ایران ارج بگذاریم
انشاء الله.

عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان

من: ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰ ۰۰ ۰۰ 3 ۰۰۰۰۰۰۰۰ 1402 ۰۰۰۰۰۰۰۰